

خلیفه حقتر، ژنرال پرنفوذ لیبیایی؛

رابطه ما با مصر برادرانه و مستحکم است



حتی یک گلوله وارد کنیم، اما با وجود همه این دشواری‌ها ارتش خواهد توانست امنیت و ثبات را به کشور بازگرداند. اکنون این امر در سه‌چهارم مساحت لیبی تحقق پیدا کرده و بقیه‌اش هم به باری خداوند محقق خواهد شد.

ک شما اخیرا طرح تأسیس یک شورای عالی نیروهای مسلح لیبی را دادید که مرکب از پنج عضو از جمله رئیس مجلس نمایندگان، فرمانده کل نیروهای مسلح، نخست‌وزیر و... باشد. آیا هنوز این طرح را تأیید می‌کنید؟

نمی‌دانم این طرح جدی گرفته خواهد شد یا مثل سایر طرح به باد فنا خواهد رفت. به‌هرحال ما با هر طرحی که ضامن استقلال نیروهای نظامی در این مرحله خاص از دستگاه‌های اجرایی که کارشان خدمت‌رسانی است باشد، موافق هستیم. ما تأکید داریم ارتش باید از مسائل حکومتی و سیاسی به دور باشد چون کشمکش‌های سیاسی بر عملکرد ارتش اثر می‌گذارد. در حوزه اجرایی باید فرصت تصمیم‌گیری و خدمت داد و نهادهای نظامی نباید در آن دخالت کنند؛

هر طرحی که بر این اساس باشد، ما از آن حمایت می‌کنیم.

ک مردم لیبی با حضور اخوان المسلمین در آینده سیاسی این کشور مخالفت کرده‌اند. آیا ارتش در این زمینه با مردم هم‌عقیده است؟ اصلا شما اخوان شرکی سیاسی می‌دانید یا یک گروه تروریستی؟

اول فرزندان ارتش همان فرزندان ملت هستند. اینها که از خارج نیامده‌اند. ارتش خود را فقط متحد ملت می‌داند. بنابراین ملت هر گروهی را بپذیرد، ارتش هم می‌پذیرد و ملت هر گروهی را نپذیرد، ارتش هم آن را رد می‌کند. گروه اخوان‌المسلمین سعی می‌کند با زور، خودش را بر ملت تحمیل کند اما این کار خلاف قانون اساسی است. بنابراین ارتش تماشاجی صحنه نخواهد بود و ملت به او این اختیار را داده است که از قانون اساسی حمایت کند. این فقط درباره اخوان‌المسلمین نیست بلکه درباره همه گروه‌های سیاسی و افراد با رویکردهای مختلف است.

ک «مارتین کوپلر»، فرستاده سازمان ملل متحد در صحبت‌هایش در رسانه‌ها بارها کله کرده است که شما حاضر به گفت‌وگو با او نیستید. او از ما خواسته است این سؤال را از شما بپرسم.

ما دلایل آن را به او گفتیم اما به نظر می‌رسد فراموش کرده باشد. حالا شما می‌توانید به او یادآوری کنید. او از من خواست دربارهٔ تشکیلات ارتش لیبی با هم گفت‌وگو کنیم ولی آیا این عقلانی است؟ این موضوع چه ارتباطی به آقای کوپلر دارد؟ او به این هم اکتفا نکرد و فراتر از حد خودش تا جایی رفت که خواست ابداً بحث‌هایی را که در جریان دیدار سرلشکر عبدالرزاق الناظوری از شهر زنتان مطرح شده بود، بداند. ما شوقمان ارزش دارد و نمی‌توانیم آن را در بحث‌های توخالی با آقای کوپلر صرف کنیم. او یک حرف دیگر هم زد که مرتبط با تروریسم بود. ولی آقای کوپلر چه ارتباطی با تروریسم دارد؟ ما که به توصیه او با دیگران

 	 	 	 	 	
ارتش ابرازی برای مقابله با هرگونه تجاوز و درعین‌حال سبیل حاکمیت ملی یک کشور است.					
اگر ارتش لیبی در گذشته این طور در معرض توطئه‌ها قرار نگرفته بود، کشور به این روز نمی‌افتاد. در لیبی ما فقط شاهد تظاهرات در حمایت از ارتش نیستیم بلکه مردم از بین خودشان کسانی را به کمک ما می‌فرستند تا سلاح بر گفته و دودشادوش ارتش بجنگند					

با تروریسم نمی‌جنگیم، نیمه‌های ماه سپتامبر ما از او در مقر فرماندهی استقبال کردیم. احساس کردیم می‌توانیم به او کمک کنیم تا مأموریتش را انجام دهد. به او فرصت دادیم تا به صحبت گروه‌های مختلف جامعه‌لیبی گوش سپارَد. از شیوخ قبایل گرفته تا اعضای پارلمان، نهادهای جامعه مدنی، فرماندهان ارتش و... ما به او توضیح دادیم که موضوع ما درباره مسائل امنیتی چیست. به او توصیه کردیم برای امضای توافق‌نامه عجله نکند و بگذارد این جریان خوب بخته شود. اما او به صخیرات برگشت و هرچه را گفته بودیم به دیوار کوید و اصرار داشت که روز بعد آن توافق‌نامه امضا شود. سپس به مدت شش ماه ارتباطش را قطع کرد. حالا از ما می‌خواهد با او بشنیم و درباره ساختار ارتش لیبی گفت‌وگو کنیم با درباره تروریسم. او کسی است که ارتش قهرمان لیبی را مشتبی مزدور و طرفداران نظام سابق توصیف کرد. ما وقت اضافی نداریم که با او سپری کنیم. اگر می‌خواهد با ما گفت‌وگو کند، به جای تماس با میانجی‌ها، در یک نامه کتبی به فرماندهی کل نیروهای مسلح لیبی درخواستش را مطرح کند تا ما هم به صورت رسمی به او جواب بدهیم.

عدم همکاری با نیروهای مورد حمایت آمریکا

ک نیروهای «بنیان مروص» با حمایت هوایی آمریکا در شهر سرت با گروه‌های تروریستی مقابله می‌کنند. چرا ارتش در این نبردها شرکت نمی‌کند؟
نیروهای موسوم به «بنیان مروص» تصمیم گرفتند وارد سرت شوند. آنها این کار را بدون کمترین هماهنگی با ارتش ملی انجام دادند. این در حالی بود که ما نقشه‌ای نظامی برای تصرف این شهر آماده کرده بودیم. حتی بعضی از واحدهای نظامی را برای حمله به مناطق کناری شهر فرستاده بودیم. اما بعد از حمله آنها تشخیص دادیم بهتر است عملیات خودمان را متوقف کنیم. کافی است نظاره‌گر باشیم و آماده که اگر لازم بود، وارد شویم تا همه چیز قاتی نشود. دلمان نمی‌خواست با ورود دو نیروی جداگانه، درگیری‌هایی بین آنها به وجود آید. نباید فراموش کنیم که ما در موضعیتی استثنایی و فوق‌العاده حساس به‌سر می‌بریم، این موضوع ما را بر آن می‌دارد تا هوشیار باشیم و به لغزش‌هایی نغفیم که به نفع حال و آینده لیبی نیست. ما نباید بگذاریم شرایط این مرحله به دلیل برداشت‌های بد، ما را به جنگ بین برادران سوق دهد. جنگی که قطعا حاصلی جز ویرانی نخواهد داشت و فقط دشمن مشترک ما از آن سود می‌برد. ما نباید

دریچه

نشریات محافظه‌کار و ترامپ

ترجمه: سیمیه لطفی

نشریاتی که تا امروز از حزب جمهوری‌خواه حمایت می‌کردند، یکی بعد از دیگری سرمقاله‌هایی را برای دعوت به رأی‌دادن به هیلاری کلینتون دموکرات یا گری جانسون لیبرتارین چاپ می‌کنند. دالاس مورنینگ نیوز، آریزونا ریپابلیک، هوستون کرونیکل، نیویورک دیلی نیوز، شیکاگو تریبون، سان‌دیگو یونیون-تریبون، ریچموند تایمز دیسپچ و سینسیناتی انکوییر فهرستی مختصر از نشریات آمریکایی محافظه‌کاری است که نشان داده‌اند این روزهای آخر مخالفتشان با دونالد ترامپ تمام‌شدنی نیست؛ تا آنجا‌که هیچ نشریه‌ای از نشریات معتبر درحال‌حاضر از کاندیدای جمهوری‌خواه برای ورود به کاخ سفید حمایت نمی‌کند. در پنج هفته باقی‌مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، هیأت‌های تحریریه روزنامه‌ها و مجلات به شکل علنی با ترامپ مخالفت کرده و موضعی بی‌سابقه گرفته‌اند: سان‌دیگو یونیون-تریبون در عمر ۱۴۸ساله‌اش، آریزونا ریپابلیک در ۱۲۶ سال فعالیتش و سینسیناتی انکوییر در عمر تقریباً صدساله‌اش، نشریاتی بوده‌اند که تقریباً هیچ‌وقت علیه نامزد معرفی‌شده از سوی حزب جمهوری‌خواه موضع نگرفته بودند. اما آریزونا ریپابلیک می‌گوید: «امسال، سال متفاوتی است؛» به قول سینسیناتی انکوییر، «این یک انتخابات معمولی نیست». آریزونا ریپابلیک و شیکاگو تریبون هم نوشته‌اند: «دونالد ترامپ شایسته ریاست‌جمهوری نیست؛» به همین سادگی. به نظر سان‌دیگو یونیون-تریبون، ترامپ فردی «انتقام‌جو، متقلب و بی‌فکر» است. از نظر دالاس مورنینگ‌نیوز، او «با ترس‌های ما بازی می‌کند».

تنها دو نشریه یعنی ریچموند تایمز دیسچ و شیکاگو تریبون به حمایت از کلینتون ن‌دادند؛ آن‌ها مدتی که نظارت خلی دور از مواضع این نشریات است. این‌ دو نشریه‌گری جانسون نامزد لیبرتارین را با هشت درصد رأی بر کلینتون ترجیح می‌دهند.عکس‌العمل خوانندگان این نشریات سریع بود. آریزونا ریپابلیک حتی تهدیداتی تلفنی شامل تهدید به مرگ نیز دریافت کرده است. خوانندگان زیادی روی سایت و صفحه‌فیس‌بوک این نشریه، ناامیدی و عصبانیت خود را نشان دادند. اما هیأت تحریریه به هیچ عنوان پشیمان نبود و اعلام کرد «این یک انتخاب و تصمیمی عاقلانه است».اما آیا ریسک‌های محتمل‌شده از سوی نشریات محلی آمریکایی با نظر به شرایط مالی پیشینی‌شان، به زحمتش می‌آزد؟ این سؤال است که همکارانشان از خود می‌پرسند. به گزارش واشنگتن‌پست و بنا بر نتایج چندین بررسی، در واقع حمایت نشریات از نامزدها تأثیری واقعی ندارند؛ مگر اینکه این حمایت‌ها قابل‌انتظار نباشند. یک اقتصاددان از دانشگاه نورث‌وسترن می‌گوید تنها جبهه‌گیری‌های غافلگیرکننده است سوزان دس‌نشریات است که می‌تواند از لحاظ تاریخی «تأثیری تعیین‌کننده بر انتخاباتی تک‌انتگ قرار گیرند؛ از جمله برای آن نبردهای ترازیک یمن فورا و به‌شکل بادوامی، پایان یابند».

در همین راستا روز یکشنبه ۱۶ اکتبر در دیدار «جان کری»، وزیر امور خارجه آمریکا با «پوریس جانسون»، همتای بریتانیایی وی در لندن دو طرف ضمن هشدار نسبت به وضعیت موجود در یمن اظهار کردند: «حال زمان برقراری یک آتش‌بس بی‌قیدوشرط و رفتن به سوی میز مذاکرات است». این در حالی بود که در در چند روز گذشته حداقل سه بار مقامات پنتاگون اعلام کرده بودند که از طرف مناطق تحت کنترل حوثی‌ها هر بار دو موşk به طرف ناوشکن آمریکایی «میتون» در دریای سرخ شلیک بزرگ است. دوم اینکه پیشنهاد آتش‌بس با حوثی‌ها حوثی به وسیله موşk منهدم شد. در چنین شرایطی معادلاتی شکل گرفته است که تا حدود زیادی سؤال‌برانگیز خواهد بود: اول اینکه اگر واقعا گزارش آمریکاییان مبنی بر شلیک موşk به ناوشکن آمریکایی از طرف حوثی‌ها انجام شده باشد، برای یک ابرقدرت در چنین شرایطی پیشگامی برای برقراری آتش‌بس با مسببان این اقدام یک نقطه ضعف بزرگ است. دوم اینکه پیشنهاد آتش‌بس با حوثی‌ها در شرایطی که این گروه و متحدان آن به صراحت شرایط قبلی ائتلاف به رهبری عربستان را برای خلع سلاح قبل از توافق روی تشکیل دولت انتقالی نپذیرفته‌اند، هرگونه طرح آتش‌بس جدید باید در یک چارچوب جدید دنبال شود. جنگ کنونی در یمن برخلاف ادعای عربستان درگیری یک گروه شورشی علیه دولت قانونی کشور نبوده و شکست ائتلاف در دستیابی به اهداف خود بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت است.

منبع: فیکارو

یادداشت

عربستان در گردابی به نام «یمن»

اردشیر زارعی‌قنوتایی

بحران یمن و نقش عربستان در رهبری ائتلاف جنگی علیه این کشور به بهانه حمایت از «عبدربه منصوره‌هادی»، رئیس‌جمهوری موقت و مستعفی این کشور، به‌تازگی با افزایش سرسام‌آور تلفات غیرنظامیان، ابعاد جدیدی به خود گرفته است. حملات مداوم این ائتلاف به مراکز درمانی و آموزشی از یک طرف و هدف‌ قراردادن مراسم‌های پرجمعیت عروسی و ترحیم از طرف دیگر نۀ‌تنها میزان فشار افکارعمومی و نهادهای حقوق‌بشری را بر ریاض افزایش داده است که به دلیل انتقاد از متحدان غربی این کشور از واشنگتن گرفته تا بروکسل، از طرف دیگر امکان حمایت خارجی از ائتلاف را به میزان زیادی کاهش داده است. حمله هوایی ائتلاف به رهبری عربستان روز شنبه هشتم اکتبر به مجلس عزاداری پدر وزیر کشور دولت موقت حاکم بر صعا که به گشته‌شدن حداقل ۱۴۰ نفر و زخمی‌شدن بیش از ۵۰۰ نفر انجامید، همان «شوگ بزرگ» بود که کاسه صبر افکارعمومی بین‌المللی را لبریز کرد. هرچند قبل از این حمله نیز به واسطه نقض آشکار حقوق بشر و کشتار کودکان به وسیله ائتلاف عربی در فقیرترین کشور عرب از طرف بازرسان سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای امداد بین‌المللی به‌صراحت از ریاض به‌عنوان متهم اصلی در فهرست «جانیت علیه کودکان» نام برده شده بود اما معمولاً با مماشات جهانی و باج‌خواهی مالی رهبران عربستان از این نهادها و دولت‌های متحد نادیده گرفته می‌شد. تفاوت موضوع یمن با بحران سوریه در اینجا بود که در این کشور جنگ تروریستی به مفهوم کنونی آن وجود خارجی ندارد و یک جنگ سیاسی – نظامی بین دو نیروی رقیب تلقی می‌شود ولی در سوریه امروز کارزار و جنگ بین تروریسم جهانی با دولت «بشار اسد» که در مقیاس بزرگ با دخالت تمام بازیگران منطقه و جهانی، خارج از کنترل در حال انجام است. در یمن ائتلاف حوثی – صالح به‌عنوان دو نیروی سیاسی، جنگ خود را با حامیان رئیس‌جمهوری فراری و موردحمایت عربستان انجام می‌دهند و تروریسم بین‌المللی جایگاه آل‌تراتیوی در این موقعیت ندارد.

درحالی‌که سوریه درگیر یک جنگ تمام‌عیار بین ارتش دولتی و متحدان منطقه و بین‌المللی آن با گروه‌های تروریستی شناخته‌شده از جمله «داعش» و جبهه النصره است که هم‌اکنون با نام «فتح‌الشام» با حمایت متحدان خارجی آن انجام می‌شود که مقابسه این دو با هم هیچ توجیه حقوقی و سیاسی نخواهد داشت. به‌همین‌دلیل در بحران جنگ یمن راه برای سیاست‌های «الاکلنگی» و بازی‌های سیاسی افکار عمومی، نهادهای حقوق‌بشری و حتی بخش‌هایی از نهادهای حکومتی در میان عربستان موجب ناخرسندی و ناراضیاتی بین آنان شده است. هرچند این فشارها در عرصه نهادهای دولتی در طیف حامیان غربی عربستان تا حدودی از سیاست توجیه و مهار خشم افکار عمومی پیروی می‌کند ولی نادیده‌گرفتن آن به‌خصوص بعد از آخرین حمله به صعا برای این دسته از متحدان سخت به نظر می‌رسد. برخلاف آنچه جریان اصلی رسانه درخصوص نادیده‌گرفتن جافع یمن دنبال می‌کند ولی گزارشات مستند بازرسان سازمان



ملل متحد، پزشکان بدون مرز، صلیب سرخ جهانی و سازمان عفو بین‌المللی نشان می‌دهد جنایت خاموش در یمن حتی در مقایسه با سوریه نیز بی‌سابقه بوده است. چنانچه به گفته نهادهای حقوق‌بشری در سوریه مناطق تحت محاصره ارتش و گروه‌های تروریست جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود درصورتی‌که نزدیک دو سال است که تقریباً دوسوم یمن که در دست ائتلاف حوثی – صالح هستند، زرد شدیدترین محاصره اقتصادی و دارویی قرار دارند. آنچه هم‌اکنون در یمن می‌گذرد دیگر مرزهای سکوت رسانه‌ها را شکسته است و به‌ویژه بعد از حمله به مسجدی در صعا با ۱۴۰ کشته حتی صدای مقامات در واشنگتن را هم که تاکنون به‌عنوان بخشی از ائتلاف عربی از آن حمایت می‌کردند، به آورده است. یک روز بعد از این جنایت هولناک «ند پرایس»، سخنگوی شورای امنیت ملی در کاخ سفید، اعلام کرد «همکاری امنیتی آمریکا با عربستان سعودی یک چک سفیدامضا نیست. در سایه رخدادهای اخیر، ما تصمیم گرفته‌ایم همکاری‌های خود از ائتلاف به رهبری عربستان سعودی را که حمایت از آن درحال‌حاضر به هم‌شدت کاهش یافته، تحت بازبینی فوری قرار دهیم و آماده‌ایم حمایت‌های خود را طوری تنظیم کنیم که در موارات با اصول ایالات متحده، ارزش‌ها و مصالحش قرار گیرند؛ از جمله برای آن نبردهای ترازیک یمن فورا و به‌شکل بادوامی، پایان یابند».

در همین راستا روز یکشنبه ۱۶ اکتبر در دیدار «جان کری»، وزیر امور خارجه آمریکا با «پوریس جانسون»، همتای بریتانیایی وی در لندن دو طرف ضمن هشدار نسبت به وضعیت موجود در یمن اظهار کردند: «حال زمان برقراری یک آتش‌بس بی‌قیدوشرط و رفتن به سوی میز مذاکرات است». این در حالی بود که در در چند روز گذشته حداقل سه بار مقامات پنتاگون اعلام کرده بودند که از طرف مناطق تحت کنترل حوثی‌ها هر بار دو موşk به طرف ناوشکن آمریکایی «میتون» در دریای سرخ شلیک بزرگ است که به تلاقی آن سه موضع دارای حوثی به وسیله موşk منهدم شد. در چنین شرایطی معادلاتی شکل گرفته است که تا حدود زیادی سؤال‌برانگیز خواهد بود: اول اینکه اگر واقعا گزارش آمریکاییان مبنی بر شلیک موşk به ناوشکن آمریکایی از طرف حوثی‌ها انجام شده باشد، برای یک ابرقدرت در چنین شرایطی پیشگامی برای برقراری آتش‌بس با مسببان این اقدام یک نقطه ضعف بزرگ است. دوم اینکه پیشنهاد آتش‌بس با حوثی‌ها در شرایطی که این گروه و متحدان آن به صراحت شرایط قبلی ائتلاف به رهبری عربستان را برای خلع سلاح قبل از توافق روی تشکیل دولت انتقالی نپذیرفته‌اند، هرگونه طرح آتش‌بس جدید باید در یک چارچوب جدید دنبال شود. جنگ کنونی در یمن برخلاف ادعای عربستان درگیری یک گروه شورشی علیه دولت قانونی کشور نبوده و شکست ائتلاف در دستیابی به اهداف خود بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت است.